

تفاوت نفرین حضرت نوح با دیگر پیامبران



آیت الله مجتبی تهرانی با بیان اینکه حضرت نوح نخستین پیامبر مرسل الهی است که قومش را نفرین کرد، به تفاوت نفرین حضرت نوح با دیگر پیامبران اشاره کرد و گفت: انبیا دیگر قوم خودشان را نفرین می‌کردند اما حضرت نوح، من فی الأرض را لعن کردند.

تفاوت نفرین حضرت نوح با دیگر پیامبران / بت پرستی از چه زمانی شکل گرفت
آیت الله مجتبی تهرانی با بیان اینکه حضرت نوح نخستین پیامبر مرسل الهی است که قومش را نفرین کرد، به تفاوت نفرین حضرت نوح با دیگر پیامبران اشاره کرد و گفت: انبیا دیگر قوم خودشان را نفرین می‌کردند اما حضرت نوح، من فی الأرض را لعن کردند.
به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مجتبی تهرانی در سیزدهمین جلسه سخنرانی خود که به مناسبت ماه مبارک رمضان با موضوع «دعا» دنبال می شود، به مسئله «نفرین» پرداخته است که در پی می آید:

أَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا تَدَيُّتُكَ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا تَجَيَّتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَفَّقْتَ بَيْنَ يَدَيْكَ»

مروری بر مباحث گذشته

گفته شد ماه مبارک رمضان ماه تلاوت قرآن و ماه دعا است، یعنی دعای خیر نسبت به خود و دیگران، چه مادی باشد و چه معنوی. اما گفتیم دعای به غیر خیر، نهی شده است. گفتیم، در مواردی، نفرین‌هایی که انبیا و بعضی از اولیا کرده‌اند جهت خاص خودشان را داشت و تقسیم‌بندی کردیم که آن‌ها نسبت به معاندین با حق نفرین می‌کردند، البته نه همه آنها را. توضیح داده شد که نسبت به مستضعفین برای هدایتشان دعای به خیر می‌کردند.

حضرت نوح(ع) نخستین مرسل

در بین انبیا اولین پیامبری که مرسل است و شریعت آورده، حضرت نوح(ع)، از پیامبران اولوالعزم است که بعد از او حضرت ابراهیم(ع) و بعد حضرت موسی(ع) و عیسی(ع) و پیغمبر اسلام(ص) هستند. در قرآن، اولین کسی که می‌بینیم قومش را نفرین کرده، راجع به حضرت نوح است. در آیات متعدّد در مورد حضرت نوح، بیش از دیگران داریم و بعداً به بعضی از این‌ها اشاره خواهم کرد. حضرت نوح(ع) قوم خودش را نفرین کرد و چون در آن نکته‌ای غیر از نکته‌ای که در نفرین انبیا است، ذکر شده، لذا این را جدا کردم و می‌خواهم در مورد آن صحبت کنم.

تفاوت نفرین حضرت نوح با دیگر پیامبران

برای خاطر اینکه مطلب روشن شود، باید عرض کنم که چرا او را جدا کردم. یعنی تفاوت حضرت نوح با انبیا دیگر چه بوده است؟ انبیا دیگر قوم خودشان را نفرین می‌کردند اما حضرت نوح، من فی الأرض را لعن کردند. دقت کنید! که چرا من او را از انبیا دیگر جدا کردم. دیگران یا شخص را نفرین می‌کردند یا گروه را، اما راجع به حضرت نوح این‌طور نیست، من فی الأرض را نفرین فرمود و خدا هم از او قبول کرد و هرچه بود الا خودش و چند نوع دیگر را از بین برد. چرا؟

اختلافات در سنّ حضرت نوح

اوّل وارد می‌شوم تا نسبت مدّتی که حضرت نوح در بین ابناء بشر بود و آن‌ها را به توحید دعوت می‌کرد چه مقدار بوده است. عمر حضرت نوح را می‌دانید و ضرب‌المثل هم هست. البته قرآن در سوره عنکبوت تا 950 سال را مطرح می‌کند: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ قُلِّبَتْ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ * فَأَنْجَيْنَاهُ وَ أَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَ جَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ»؛ ولی سنّ حضرت نوح این نیست.

نمی‌خواهم وارد این آیه بشوم، اما از خود همین آیه هم بیرون می‌آید. می‌گوید: «أَرْسَلْنَا»؛ بعد از اینکه رسالت را به او دادیم عمرش 950 سال بود. زمانی که می‌خواست به رسالت برسد بچه شیرخواره نبود. در اینجا روایات و اقوال زیادی داریم. مرحوم مجلسی(رضوان‌الله‌تعالی‌الیه) در رابطه با عمر حضرت نوح می‌گوید: این مسئله‌ای اختلافی است. بعضی‌ها هزار سال گفته‌اند، بعضی‌ها 1450 سال، بعضی 1470 سال و بعضی 2500 سال؛ که درباره 2500 سال روایات متعدّد داریم و بعضی‌ها روی همین تکیه می‌کنند.

حضرت نوح 850 سال در قومش بود، ولی مبعوث به رسالت نشد. بعد از آن بود که به رسالت مبعوث شد. طبق قرآن 950 سال هم قومش را به توحید دعوت کرد و بالاخره نفرینشان کرد. بعد هم وقتی که از کشتی پیاده شد، بلافاصله بعد از آن از دنیا نرفت، بلکه 500 سال بعد از آن هم زنده بود و 200 سال هم طول کشید تا کشتی را ساخت. این‌ها را جمع ببندید می‌شود 2500 سالی که در روایات است.

مجانین واقعی!

در قرآن سوره‌های زیادی در مورد حضرت نوح هست. مثلاً سوره مؤمنون است و در آنجا آیات متعدّد وجود دارد؛ سوره شعرا از 170 تا 120؛ سوره قمر؛ آیه 9 و 10، سوره هود و سوره نوح. ببینید که یک یا دو آیه نیست. شما در این آیات که می‌خوانید، می‌بینید که حضرت نوح با چه کسانی مواجه بود و آنها چه سبک مغزهایی بودند. چه تهمت‌ها به او زدند، مثل اینکه می‌گفتند: مجنون است یا جن‌زده است؛ همین چیزهایی که به هم پیغمبر می‌گفتند. به اصطلاح: رگ رگ است این آب شیرین و آب شور بر خلایق می‌رود تا نفخ صور. وقتی حرف حقّی گفته می‌شود، زود می‌گویند: جن‌زده و مجنون است؛ «؛ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ. بعد خدا جواب می‌دهد: «؛ ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ».

مواجهه پیامبران با اقوامشان

روایتی است از امام صادق (ع) که حضرت نوح را آزارش می‌دادند و او را شروع کردند به زدن. آن قدر کتکش زدند که از داخل گوشش خون بیرون زد تا بیهوش شد و سه شبانه روز به همین حالت بود. ببینید که با چه دیوانه‌هایی مواجه بوده است برخوردی که این قوم با حضرت نوح کردند با پیغمبر ما نکردند. اما در عین حال حضرت نوح نفرین نکرد؛ درست مثل پیغمبر. عین این جمله را از حضرت نوح دیدم: «؛ اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» که پیغمبر هم در حرف‌هایش استخدام کرده است. پیغمبر ما را زدند و صورتش را زخمی کردند. عده‌ای گفتند: نفرین کن، دیدی حضرت نوح را، که نفرین کرد؟ گفت: «؛ اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛ همانی که حضرت نوح، بعد از سه روز از آنکه به هوش آمد گفت. گفت: «؛ اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ». ببینید چه طور این‌ها متعمّل بودند. مگر نفرین می‌کردند؟ اصلاً و ابداً.

صبر سیصد ساله!

آنهایی که ایمان آورده بودند به او گفتند: نفرین بکن، اینها که درست نمی‌شوند. حاضر نشد این کار را بکند، اما بالاخره در مضیقه قرار گرفت تا نفرینشان کند. تعبیر این است که ملائک آمدند و وساطت کردند که عجله نکن. گفت: باشد، من 300 سال صبر می‌کنم. این مسئله چند بار تکرار شد و حاضر نشد نفرین کند، تا کار به اینجا رسید که نفرین کند. البته اقدام را هم خودش انجام نداد، به این معنا که از ناحیه خداوند به او گفته شد.

چرا نوح نفرین کرد؟

روایتی است که صدوق در علل الشرایع نقل می‌کند. از حنانه بن سدير می‌گوید: «؛ قُلْتُ يَا أَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَرَأَيْتَ نُوحًا (ع) حِينَ دَعَا عَلَى قَوْمِهِ»؛ سوال این است که چرا نوح قومش را نفرین کرد؟ حضرت آیه سوره نوح را فرمودند: «؛ رَبِّ لَا تَذَرْنِي» که من تکیه‌ام بر همین است، «؛ إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ * قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ * أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا * يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُخَوِّرْكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى إِنْ أَجَلَ اللَّهُ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا * فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا * وَ إِنِّي كَلِمَاتُ دَعْوَتِهِمْ لِيُغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أُصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَ اسْتَعَسَوْا ثِيَابَهُمْ وَ أَصْرُوا وَ اسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا * ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا».

ببینید حضرت نوح همین‌طور رفتار می‌کند اما هرچه کرد نتیجه‌ای نگرفت. خلاصه دیگر معذور شد، «؛ وَ قَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا»؛ دیگر کارش به اینجا رسید، «؛ إِنَّكَ إِنْ تَذَرْنِي يَصِلُوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا»؛ بحث من اینجا است. از حضرت سؤال می‌کند که: چرا این‌طور بود و حضرت نوح قومش را نفرین کرد. حضرت در جواب می‌گوید: «؛ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَا يَنْجُبُ مِنْ بَيْنِهِمْ أَحَدٌ»؛ این را فهمید که دیگر کسی از اینها ایمان نمی‌آورد. می‌گوید: «؛ قُلْتُ وَ كَيْفَ عَلِمْتُ ذَلِكَ»؛ گفتم این را از کجا می‌شود فهمید؟ «؛ وَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا يُؤْمِنُ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَعِنْدَ هَذَا دَعَا عَلَيْهِمْ بِهَذَا الدُّعَاءِ». این بی‌حساب نبود بلکه حساب شده بود. البته ابتدا خود حضرت نوح هم نفرین نکرد و تا وقتی که خدا به او نگفت، باز نفرین نمی‌کرد.

نکته‌ای را اشاره می‌کنم. این از اموری است که شاید در تاریخ هم مشهور باشد که بت‌پرستی از زمان حضرت نوح شکل گرفت. این در آیات هست. بت‌پرستی از زمان حضرت نوح، به قدری به ذائقه قومش شیرین آمده بود که دست برنمی‌داشتند. هرچه حضرت نوح می‌آمد تا آن‌ها از شرک دست بردارند و به سمت توحید هدایت شوند اما از کارشان دست نمی‌کشیدند. ضمناً بدانید که بی‌جهت که خدا به حضرت نوح گفت: نفرینشان کن. خدا بی حساب نمی‌گوید. این‌طور نیست که خدا مثل ما عصبانی بشود. این نفرین حساب شده بود و حکمت داشت.

دو علت نفرین حضرت نوح

در آیه شریفه، حضرت نوح دو علت را برای نفرینش ذکر می‌کند:

معاندین، به انحراف می‌کشند؛ اولین علت اینکه اگر اینها بمانند، تعبیر این است: «إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ«؛ و می‌گوید: «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا«؛ چرا؟ «إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ« اگر بگذاری اینها بمانند، همه بنده‌های تو را منحرف می‌کنند. این علتی بود که نسبت به تمام انبیا و اولیا مطرح کردیم؛ البته علتی همگانی بود و گفتیم، معاندین و آنهایی که با حق دشمنی دارند این‌طور هستند.

اما اشاره کردیم اگر کاری از دستشان بربیاید، نفرین کن ولی اگر بی اثر بودند و به قول ما، «كَالْحَجَرِ جَنْبَ الْإِنْسَانِ«؛ مثل سنگ‌های بیابان هستند، رهایشان کن. در اینجا دارد که، «يُضِلُّوا«؛ اینها هر که بخواهد ایمان بیاورد، او را برمی‌گردانند. حضرت نوح اولین علت را همان می‌فرماید که تمام انبیا و اولیا نفرینشان حول محور همین می‌گشت و در جلسات گذشته در مورد آن بحث کردیم.

علت دوم...

بحثم بر علت دومی است که حضرت نوح مطرح می‌کند و نسبت به هیچ یک از پیغمبران نداریم تا برای اینکه قومشان را نفرین کنند، بر روی این تأکید کرده باشند که بقیه را جلسه آینده عرض خواهم کرد...